

سیاست خارجی جدید ترکیه در خاورمیانه

دکتر جعفر حق پناه^۱ - اعظم سلامتی^۲ - زهره دیانی نژاد^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۸

چکیده:

روابط ترکیه با سوریه، عراق، ایران، اسرائیل نشان می‌دهد که ترکیه به صورت قابل توجهی در زمینه سیاست خارجی انعطاف‌پذیر است و به طور مداوم در حال بالا بردن ابزارهای سیاست خارجی خود است و به میزان زیادی امنیت ترکیه با قدرت نرم مرتبط است. استراتژی ترکیه در زمینه نگاه به امنیت گروه‌های جمعیتی و رفاه کلی آنها به استراتژی اروپا نزدیک است. تغییرات داخلی ترکیه، ترکیب دموکراسی، رشد اقتصادی از عوامل اصلی در تشکیل سیاست خارجی جدید ترکیه و ظهور ترکیه به عنوان یک قدرت تجاری، ثبات نیروها و تشویق صلح در منطقه بوده است.

واژگان کلیدی: ترکیه، سیاست خارجی ترکیه، خاورمیانه، امنیت، احمد داوود اوغلو

- هیت علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی استادیار مطالعات منطقه‌ای، تهران، ایران
Haghpanah2000@yahoo.com

- کارشناسی ارشد روابط بین ، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران
akram.akrami1357@gmail.com

- کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

مقدمه

خاورمیانه در سیاست خارجی ترکیه جایگاه خاصی دارد. بخش عمده‌ای از باز تعریف سیاست خارجی ترکیه در قبال منطقه خاورمیانه متأثر از نظریات و تجویزات «احمد داوود اوغلو» وزیر امور خارجه سابق ترکیه است. زمانی که ترکیه بر اساس سیاست به صفر رساندن مشکلات با همسایگان در سیاست خارجی خود رفتار می‌کرد ایران، ترکیه و سوریه همسایگانی با روابط بسیار خوب بودند. ترکیه با افزایش فرایند دموکراسی‌سازی و رشد سریع اقتصادی توانست خود را به عنوان یک بازیگر مهم و تاثیرگذار در منطقه معرفی کند در این مقاله تلاش می‌شود که نشان داده شود سیاستمداران فعلی ترکیه در حال تلاش هستند تا انعطاف‌پذیری و نرمش را در سیاست خارجی ترکیه نشان دهند. در پایان سعی بر این است که نشان داده شود که چه تحولاتی اتفاق افتاده که سیاست منطقه‌ای ترکیه تبدیل به سیاست مملو از تنش با همسایگان شده است. در این نوشتار به این پرسش پرداخته می‌شود که ترکیه در منطقه خاورمیانه چه سیاست خارجی اتخاذ کرده است؟ پاسخ موقتی که می‌توان به این سوال داد این است که ترکیه از انعطاف‌پذیری و نرمش در سیاست خارجی به تنش با همسایگان تغییر رویه داده است.

فرایندهای داخلی تاثیرگذار در سیاست خارجی ترکیه

دموکراسی‌سازی و رشد سریع اقتصادی دو عامل مهم و حیاتی در ایفای نقش ترکیه به عنوان بازیگر تاثیرگذار منطقه‌ای است. در این بخش آن چیز که مورد بحث قرار می‌گیرد تغییرات داخلی ترکیه خصوصا ترکیب دموکراسی و رشد اقتصادی است. اصلاحات داخلی ترکیه نخبگان سیاسی را در ایجاد قوانین جدید توانمند کرده است. رشد اقتصادی سریع قدرت سیاسی کشور را افزایش داده است که نمود آن ظهور ترکیه به عنوان نیروی با ثبات کننده و ارتقاء دهنده صلح در منطقه خاورمیانه است. حزب عدالت و توسعه تعهداتی را با غرب خصوصا اتحادیه اروپا بسته است. عوامل بین‌المللی هم کمک کرده است که این اصلاحات با فرایند عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا همراه شود. با این

توصیف ترکیه یک جزیره با ثبات در منطقه خاورمیانه می‌باشد که اغلب به صورت منطقه آشوب توصیف شده است. (Taspinar,2008,pp.103-114)

افزایش تعهدات تجاری، همگرایی ترکیه را در سیستم اقتصاد جهانی تعمیق می‌کند بطوری که در اقتصاد بسته قبلی این روند وجود نداشت. حزب عدالت و توسعه سیاست خارجی عملگرایانه، اقتصاد محور چند بعدی و چند وجهی را دنبال می‌کند این روند تعهدات اقتصادی را با مناطق مختلف جهان افزایش می‌دهد. (Oguzlu,2011,p.5)

خاورمیانه یکی از مناطق مهم اقتصادی برای ترکیه شده است. ترکیه امیدوار است که سود بیشتری را از افزایش روابط اقتصادی با دولت‌های عرب حاشیه خلیج فارس با جذب درصد بالایی از کمک‌های مالی برای تجارت و سرمایه‌گذاری بدست آورد. (Lenore,2009,pp.75-93)

احمد داوود اغلو، نخست وزیر جدید ترکیه، بیان کرده است که "آنچه که مرزها را ایمن می‌کند تعداد تانکها نیست. بلکه حجم تجارت متقابل و سرمایه‌گذاری با همسایگان است." این گفته به تاکید تورگوت اوزال رییس جمهور سابق ترکیه به اهمیت تعهدات اقتصادی و تماس با همسایگان برای ثبات منطقه‌ای شباهت دارد. افزایش ثبات در منطقه سود اقتصادی قابل مقایسه‌ای برای ترکیه دارد.

مدتها پیش به لحاظ امنیتی در سیاست خارجی، ترکیه به عنوان یک نیروی بی ثبات کننده در سطح منطقه بود. نخبگان سیاسی ترکیه می‌دیدند که مسئله کردها و اسلام‌گرایی به عنوان تهدیدات عمده هستند. این گونه مسائل منجر به تنش روابط با بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای شد. (Aras,2009)

به عنوان مثال Sukruelekdag سفیر سابق ترکیه در واشنگتن زمانی که به توافق همکاری دفاعی که میان یونان و سوریه در سال ۱۹۹۶ به انجام رسیده بود اشاره کرد،

ترکیه در پاسخ به دو جنگ با ابعاد کامل در برابر سوریه و یونان و همچنین جنگ طولانی با گروه پ.ک.ک. مبادرت کرد. (Kosebalaban,2010,pp.26-50)

سیاست خارجی ترکیه برای دهه‌هایی با ذهنیت محاصره و حمله هدایت شده که ترکیه توسط دشمنانش محاصره شده، همراه بوده است. نجات ترکیه از این ناامنی‌ها و ترس‌های گذشته، ترکیه را قادر کرده است که از زوایای مختلف به مسائل سیاست خارجی و امور منطقه‌ای نگاه کند. (Dag,2009)

به طور قطعی سیاست خارجی ترکیه به دینامیک سیاست‌های داخلی وابسته است. نگرش احزاب مخالف و طبیعت رژیم و شخصیت‌های کلیدی، منجر به ظهور دو گروه سیاسی در ترکیه می‌شود. در ابتدا گروه بزرگ‌تر که به طور نسبی شامل سیاست‌مداران راست‌گرا، لیبرال‌ها و محافظه‌کاران مذهبی که به طور کلی از حزب عدالت و توسعه حمایت می‌کنند و تعداد کمی که به لحاظ ایدئولوژیکی به احزاب کوچک‌تر نزدیک هستند این گروه با نخبگان قدیمی که به طور کلی ارتش و قوه قضاییه را کنترل می‌کنند، مبارزه می‌کنند. این گروه متشکل از سکولارها هستند. (Abramowiz,2009,pp.118-128)

نخبگان بوروکراتیک نظامی - مدنی و گروه‌های متنوعی از ملی‌گراها که به طور کلی از حزب جمهوری خواه خلق حمایت می‌کنند رهبر حزب عدالت و توسعه را به تماس با آمریکا و اتحادیه اروپا متهم می‌کنند. تغییر در سیاست خارجی ترکیه انعکاسی از ظهور نخبگان جدید با دیدگاه‌های متفاوت در زمینه سیاست خارجی است. به عنوان مثال، مطابق چارچوب فکری داوود اغلو، رویکرد سیاست خارجی ترکیه باید بر پایه دنبال کردن ۵ اصل باشد.

- ۱- باید میان امنیت و دموکراسی تعادل باشد.
- ۲- ترکیه باید مسائل با همسایگان را به صفر برساند.
- ۳- ترکیه باید روابط با همسایگان منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای را توسعه دهد.

۴- ترکیه باید یک سیاست خارجی چند بعدی را دنبال کند و روابطش با بازیگران جهانی باید مکمل باشد نه رقابتی.

۵- ترکیه باید یک دیپلماسی موزون را هدایت کند.

مطابق این دیدگاه جدید، ترکیه یک جغرافیای منحصر به فرد دارد، و روی همسایگان خود نفوذ دارد. (Davutoglu, 2008, pp. 77-96)

ترکیه با این موقعیت جغرافیایی می‌تواند به عنوان حل‌کننده مسائل به صلح منطقه-ای و جهانی کمک کند و نقش موثری را به عنوان سازمان دهنده نظم در سطح منطقه بازی کند. ترکیه دارای یک محیط خارجی امنی است خصوصاً در دوره‌ای که بحث بر روی عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا بود. تصمیم اتحادیه اروپا برای عضویت ترکیه در سال ۱۹۹۹، نه فقط آغاز تجاری سازی ترکیه و فرایند اصلاحات داخلی آن بلکه اروپا سازی سیاست خارجی ترکیه نیز هست. (Hal. 2009, pp. 143-159)

شروع تعارض‌ها یا جنگ در سطح منطقه قدرت عناصر اقتدارگرا را در ترکیه افزایش خواهد داد در حالیکه در گذشته ترکیه به نیروی سخت تکیه داشته است، کاهش نفوذ نظامی در ترکیه گستردگی و انعطاف‌پذیری سیاست خارجی ترکیه را تسهیل کرده است. تغییرات حاصل شده در سیاست خارجی منجر به جستجوی راه‌های دیپلماتیک برای حل مسائل خصوصاً با همسایگان در سال‌های گذشته شده است. استقرار صلح منطقه‌ای، امنیت، ثبات ابزاری است که دموکراسی ترکیه را افزایش می‌دهد.

ترکیه همچنین به عنوان یک دلال یا میانجی در نزاع‌های منطقه‌ای عمل می‌کند به عنوان مثال ترکیه سنی‌های عراق را متقاعد کرد که انتخابات را بایکوت نکنند و یا دیدارهایی که مقامات ترکیه با مقامات لبنان، پاکستان، افغانستان داشتند همگی در راستای تضمین دموکراسی سازی و تداوم رشد اقتصادی بوده است. این روند حزب عدالت و توسعه را در مقایسه با نمونه‌های ایدئولوژیکی حکومت در سال‌های گذشته عملگرا

کرده است. این عملگرایی نشان می‌دهد که ترکیه اغلب با خاورمیانه در ارتباط بوده است. (Candar, 2010) و به صورت موفقیت آمیزی سعی داشته است فرهنگ اسلامی را با دموکراسی ترکیب کند. اعضای حزب عدالت و توسعه خواهان زنده کردن امپراطوری عثمانی نیستند بلکه خواهان تکمیل احاطه دوباره آن هستند، بنابراین بر خلاف دوران جنگ سرد، ترکیه با تعمیق کردن گفتگوی سیاسی، افزایش تجارت و تماس‌های بیشمار با همسایگان قادر به مبادله آزادانه کالاها و خدمات شده است. ترکیه به صورت موفقیت آمیزی دسترسی خود را به سرمایه‌گذاران خاورمیانه گسترش داده است. بطوری که ۲۰ درصد صادرات ترکیه در سال ۲۰۰۹ به خاورمیانه بوده است. (به میزان ۱۹/۲ میلیون دلار ارزش کالاها در مقایسه با ۱۲/۵ درصد در سال ۲۰۰۴). ترکیه و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در خیلی از زمینه‌ها با هم همکاری دارند. مطابق نظر احمد داوود اوغلو تجارت میان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و ترکیه از ۱۰/۵ میلیون دلار در سال ۱۹۹۹ به ۱۷/۵ میلیون دلار در سال ۲۰۰۸ رشد کرده است.

استراتژی اقتصادی که حزب عدالت و توسعه به کار گرفته است انتظار می‌رود بتواند پایگاه‌های لازم را که نیازمند یک بازار آزاد با تعهدات اقتصادی قوی و گسترده است، برای رشد مداوم ترکیه فراهم کند. نکته‌ای که باید خاطر نشان شود به علت اینکه ترکیه فاقد ابزارهای قدرت سخت است بر روی ابزارهای غیر مواجه‌ای تاکید دارد. در مقابل ترکیه نیروی متعارف با نفوذ دارد برای مثال ترکیه دومین و بزرگترین دارنده جنگنده اف ۱۶ در جهان است که در سطح منطقه می‌تواند حملات عمیق داشته باشد. ترکیه علیرغم آن مایل نیست که در عملیات نظامی در سطح منطقه از این جنگنده استفاده کند چرا که می‌تواند بر اقتصاد ترکیه تاثیر برعکس داشته باشد. (Kinikliglu, 2011)

فعالان ترکیه عمدتاً بر روی قدرت نرم در سطح منطقه تاکید دارند بیش از یک دهه، نسل جدید تجار و دیپلمات‌ها و ستارگان سینما بر بازسازی روابط خود در سطح منطقه تاکید دارند. یکی از مقامات رسمی ترکیه گفته: اگر برخی می‌گویند که اقتصاد هدف عمده توسعه است. من مخالف هستم چرا که امنیت به طور مساوی مهم است. به عبارت

دیگر ابعاد امنیتی سیاست خارجی در آغاز همیشه مورد اهمیت بوده است. بطوری که یک مقام رسمی دیگر گفت: ترکیه به عنوان کشوری که بیشتر از آشوب منطقه‌ای و مسائل امنیتی در منطقه خاورمیانه رنج می‌برد، خواهان ثبات در منطقه است. بنابراین ترکیه ثبات در منطقه را جستجو می‌کند و نقش مهم را در میان بازیگران با نفوذ در منطقه دارد.

امنیت از طریق روش‌های اتحادیه اروپا

در محیط استراتژیک خاورمیانه ترکیه به صورت یک مدل اقتصادی در سطح منطقه است. برای بسیاری از رهبران ترکیه به طور قطعی به اثبات رسیده است که ترکیه درون اتحادیه اروپاست. کاندیداتوری و فرایند الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا این مسئله را نشان می‌دهد. با این وجود اتحادیه اروپا پارادایم منحصر به فردی را برای ترک‌ها و کردها به وجود آورده است. اتحادیه اروپا تمام مرزها را منسوخ کرده و به دشمنی‌های تاریخی غلبه کرده است اتحادیه اروپا صلح و ثبات و رونق را به وجود آورده است این تحولات مشابه می‌تواند در خاورمیانه نیز انجام بشود. بطوری که بازیگران همکاری داشته باشند.

(Frickson,2004,pp25-45)

از نظر احمد داوود اوغلو برای حل تعارضات در ۶۰ سال گذشته، موقعیت ترکیه در خاورمیانه باید بر روی ۴ اصل مهم باشد. ۱- امنیت برای هرکس ۲- برتری گفتگو سیاسی به طوری که ابزار حل بحران‌هاست ۳- وابستگی اقتصادی به هم بعنوان نظم در خاورمیانه که نمی‌تواند در یک فضای بسته و جداگانه بدست آید ۴- همزیستی فرهنگی و تکثرگرایی

در این زمینه نخست وزیر سابق ترکیه، رجب طیب اردوغان بیان کرده است "سرنوشت کشورها در منطقه به هم پیچیده شده است" اردوغان مدعی است نفوذ رو به

رشد ترکیه در جنوب و شرق آن باری را از دوش اتحادیه اروپا برداشته است.
(Davutoglu, 2011)

روابط فرهنگی، سیاسی، اقتصادی پایه‌ای برای ایجاد یک منطقه ثبات و تشکیل منطقه آزاد در میان همسایگان می‌باشد. قدم‌هایی که ترکیه برای ایجاد ثبات در منطقه خاورمیانه برداشته است منجر به کاهش تعارضات و توسعه سفرهای بدون ویزا و افزایش تجارت و زیر ساختار همگرایی شده است. ترکیه به طور فعالانه در حال تلاش است تا با کشورهای منطقه در موارد متعدد از جمله ارتباطات، امنیت، تجارت همکاری داشته باشد این همکاری‌ها نشان می‌دهد نقش ترکیه بعنوان بازیگر امنیتی در منطقه در حال تغییر است. ترکیه همچنین به امنیت انرژی اروپا به عنوان یک کشور ترانزیتی کمک کرده است. به عنوان مثال پروژه خط لوله ناباکو در جولای ۲۰۰۹ امضاء شد. با امضای این قرارداد ترکیه منابع انرژی را به جنوب شرقی و اروپای مرکزی انتقال داد. هدف ترکیه از جمع کردن درآمدهای ترانزیتی تامین نیازمندی‌های انرژی می‌باشد.

ترکیه همچنین در حل مسائل بازیگران منطقه‌ای به طور فعال وارد عمل شده است. درگیری ترکیه در مسائل منطقه‌ای شامل گستره‌ای از تلاش‌های ترکیه در میانجیگری میان اعراب و اسرائیل و فلسطین و میان سنی‌ها و شیعه در عراق و بین افغانستان و پاکستان و بین بوسنی و صربستان است. گرچه تلاش‌های میانجیگری ترکیه موفقیت‌آمیز نبوده است. ولیکن این تلاش‌ها کمک کردند که ترکیه پرستیژ بدست آورد. واضح است که در سال‌های اخیر ترکیه نظم جدید را در سطح منطقه به وجود آورده است که می‌تواند دموکراسی را در منطقه ایجاد و نمایندگی نماید.

ترکیه در سیاست‌هایش بطور همزمان به سمت شرق و غرب و شمال و جنوب در حال حرکت است نکته مهمی که وجود دارد اینکه ترکیه در کدام جهت ارزش‌ها در حال حرکت است. از دیدگاه عبدالله گل رییس جمهور سابق ترکیه، جهت را می‌توان به عنوان ارزش‌های دموکراتیک، برتری قانون، احترام به حقوق بشر، عملکرد بازار آزاد اقتصادی

تفسیر کرد. هر کدام از این تفسیرها می‌تواند تایید دوباره هدف عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا باشد.

نظر ترکیه بر این است که جهان اسلام نیاز دارد در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و آموزش خودش را تغییر دهد. به گونه‌ای که عبدالله گل اعلام کرد "خانه را در نظم قرار دهید" تا بدین طریق چالش‌های جهانی را ببینید. ترکیه مصرف‌کننده امنیت در سطح منطقه نیست بلکه صادرکننده امنیت در سطح منطقه است. استراتژی امنیتی ترکیه در سطح منطقه از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا ستایش و تحسین شده است. حرکت ترکیه به سمت نظام دموکراتیک توسعه یافته و بازار آزاد در سطح منطقه تاثیرگذار بوده است. در سال‌های اخیر شخصیت‌های مهم در خاورمیانه از ترکیه به عنوان یک مدل و یا نمونه‌ای برای تغییر جهان عرب یاد کرده‌اند. ترکیه به عنوان یک کشور مسلمان سکولار با اقتصاد لیبرال موفق، یک مدل اقتصادی و سیاسی مهم برای سکولارها و اسلامگرایان در سطح منطقه فراهم کرده است.

اردوغان به عنوان نخست وزیر سابق یک کشور سکولار و با تکیه بر باورها مذهبی به عنوان یک مسلمان دیندار براحتی در مورد خطرات فرقه‌گرایی در منطقه صحبت می‌کند و به همزیستی مسالمت‌آمیز علی‌رغم اختلافات فرهنگی - قومی - فرقه‌ای توصیه می‌کند. (Fuller, 2004, pp51-64)

بررسی در ۷ کشور عربی نشان می‌دهد که ۶۱ درصد پاسخ دادند که ترکیه یک مدل برای کشورهای عربی است. ۶۳ درصد پاسخ‌ها به این مساله اشاره کردند که ترکیه یک مدل موفق از همزیستی دموکراسی و اسلام است. دموکراسی ترکیه همراه با رشد اقتصادی در حال شکوفا شدن است. بطوری که درآمد سالیانه و سرمایه در ترکیه افزایش پیدا کرد. درآمد سرانه در ترکیه از حدود ۱۳۰۰ دلار در سال ۱۹۸۵ به ۲۷۷۳ دلار در سال ۱۹۹۵ و تقریباً ۱۱۰۰۰ دلار در سال ۲۰۰۸ افزایش پیدا کرده است.

به گونه‌ای که تعداد زیادی از نظریه‌پردازان توافق کردند که ترکیه شاید تنها کشوری است در تمام خاورمیانه که با مدرنتیه هم‌گرایی داشته است. ترکیه یک نظام سیاسی دموکراتیک و یک اقتصاد مولد دارد.

Candar خاطر نشان می‌کند حضور ترکیه در سطح بین‌المللی به عنوان یک قدرت منطقه‌ای به خاطر این است که حضور آمریکا را در منطقه کاهش داده و یا حداقل به تعویق انداخته است. بی‌تاثیری سیاست اتحادیه اروپا در منطقه و نابودی تسلط سنی‌ها در عراق به دنبال جنگ در سال ۲۰۰۳ و ترک فضای باز برای نفوذ گروه‌های شیعی در ایران و حوادثی از این قبیل منجر شده است که ترکیه به عنوان یک قدرت مرکزی جدید در حال ورود به خاورمیانه باشد که توسط نیروهای سنی سنتی مصر و عربستان تخلیه شده است. تعداد زیادی از نظریه‌پردازان جهان عرب از دیدگاه بالا حمایت می‌کنند. رهبران ترکیه اغلب امتناع می‌کنند از این که بگویند هدف ترکیه رهبری و یا اینکه مدل شدن در سطح منطقه است. البته این حرکت عاقلانه به نظر می‌آید. نمونه تلاش‌ها ترکیه در این زمینه، رفع دل‌نگرانی مصر از اینکه ترکیه تلاش نمی‌کند نقش مصر را در منطقه بدست آورد و یا اینکه درگیری ترک‌ها در امور اعراب و اسرائیل نشان دهنده این است که ترکیه نمی‌خواهد تعادل ژئوپولتیکی را به هم بزند (Davutolu, 2009)

روابط با سوریه فراز و نشیب‌ها

روابط ترکیه و سوریه بهترین مثال از چگونگی چشم‌انداز سیاسی منطقه‌ای می‌تواند به طور سریع تغییر پیدا کند. حدود ۱۰-۱۲ سال روابط ترکیه با سوریه از جنگ تا هارمونی کامل تکامل پیدا کرد. سوریه تحت حکومت اقلیت شیعه و به طور سنتی به ایران نزدیک است و تحت شدید فشار آمریکا است با این وجود ترکیه یک سیاست سودمند به طرف سوریه دارد. از نظر داوود اغلو وزیر امور خارجه سابق ترکیه ۲ دیدگاه در

منطقه وجود دارد. یک دیدگاه اینکه ترکیه ماموریت ساختن رفاه و صلح و ثبات را دارد و دیدگاه دیگر اینکه بر اساس ایجاد نزاع و ناآرامی در منطقه پایه‌گذاری شده است.

در طول این زمان روابط ترکیه - سوریه در سطح بی‌سابقه‌ای پیشرفت کرده است جلسات کابینه مشترک وجود دارد. روابط در زمینه‌های امنیت، انرژی، بانکداری، آموزش عالی بهبود پیدا کرده است. (www.bbc,2011)

ترکیه کمک زیادی به فرایند فعلی همگرایی دوباره سوریه در نظام بین‌المللی علیرغم دستور جلسه کیفی دولت‌های غربی کرده است همچنین کمک کرده است تا اینکه سوریه بازسازی خودش و تصویر صلح آمیز در جهان عرب را ارتقاء دهد. سیاست سوریه - ای ترکیه به طور ناباورانه نتایج خوب ایجاد کرد به عنوان مثال حکومت سوریه در زمینه مساله پ.ک.ک دنباله رو حکومت ترکیه است. بنابراین ترکیه ممکن است ۱۵۰۰ ملی گرای سوری را که در دورن پ.ک.ک هستند، اگر سازمان آنها اسلحه‌های خود را کنار بگذارند، عفو کند. با برچیدن ویزاها در سال ۲۰۱۰ الفاظ داوود اغلو یک دید اجمالی از افکار جدید را نشان داد.

- ۱- من دوست دارم مردم سوریه را مورد مخاطب قرار بدهم
- ۲- ترکیه دومین کشوری است که مایل به برچیدن مرزهایی است که بصورت مصنوعی در مناطق داخلی کشور ایجاد شده است
- ۳- ما در حال تغییر همکاری اقتصادی به یک اتحادیه اقتصادی هستیم. ما امیدواریم که این مدلی باشد برای همسایگان مان.

برقراری همکاری ترکیه با رژیم اقتدارگرایی همچون رژیم بشار اسد می‌تواند منجر به انتقال تدریجی و صلح آمیز قدرت به ساختار دموکراتیک شود. هر چند که به نظر می‌رسد سوریه قادر نیست و یا نمی‌خواهد اصلاحات لازم را برای انتقال کشور به سمت ساختارهای دموکراتیک به انجام برساند. مطابق نظر اردوغان بشار اسد می‌تواند از این

حقیقت که او یک نصیری در حالیکه همسرش یک سنی است، استفاده کند و تحمل فرقه‌گرایی را در سوریه افزایش دهد. همانطور که موج بهار عربی در مارس ۲۰۱۱ به سوریه اصابت کرد، مخالفان در سوریه به نظر می‌رسد به برخورد با رژیم ترجیح دهند به جای اینکه منتظر اصلاحات رژیم باشند که ممکن است اصلا پیش نیاید. به دنبال هجوم پناهندگان سوری در عرض مرزهای ترکیه، حکومت ترکیه فوراً اعلام کرد که محدودیتی برای پناهندگان اعمال نمی‌کند و به همه کسانی که در عرض مرزها دنبال امنیت هستند خوش آمد می‌گوید.

روابط با عراق و مسئله تروریسم پ.ک.ک

روابط با عراق اهمیت حیاتی برای ترکیه دارد. حضور کردهای عراقی در شمال کشور و حوادثی که در آنجا به وقوع می‌پیوندد، تاثیر جدی بر روی مسائل داخلی کردهای ترکیه دارد بخشی از این روابط نیز به وابستگی متقابل ذاتی اقتصاد ترکیه و عراق اشاره دارد. قبلاً ترکیه امتناع می‌کرد از اینکه تماس‌هایی را با مقامات کرد در شمال عراق داشته باشد. اما تغییراتی را در سیاست خارجی خود داد. آنکارا به جای اینکه روی ابزار نظامی تکیه کند شروع به فعالیت با رئالیست‌های جدید در عراق کرد تا بتواند به تهدیدات تروریسم شمال عراق غلبه کند.

اخیراً ترکیه تماس‌هایی را با مقامات عرب و کرد افزایش داده است و تلاش می‌کند آنها را متقاعد کند تا اینکه همکاری بیشتری را در جنگ بر علیه پ.ک.ک. داشته باشند این مسئله بعد از سال ۲۰۰۷ به وضوح دیده شده است. (Zaman, 2010)

پیروزی داخلی گروه‌های تروریستی پ.ک.ک سوال مهمی را در روابط ترکیه با برخی همسایگان خاورمیانه به وجود آورده است سیاستمداران ترکیه در سال‌های اخیر قبول کردند که پ.ک.ک باید با ابزاری به جز نظامی بازداشته شود. ترکیه نسبت به مساله کردستان رویکرد نرم اتخاذ کرده است این رویکرد در غالب سیاست جدید تجدید روابط

همکاری با حکومت منطقه‌ای کردستان است. در سال ۲۰۰۸ حکومت اردوغان خصوصا نظامیان ترکیه، از استقرار تماس مستقیم با مقامات حکومت منطقه‌ای کردستان نگران بودند آنها می‌ترسیدند که حکومت منطقه‌ای کردستان را به سمت استقلال تقویت کنند. در سال ۲۰۰۷ وزیر خارجه عبدالله گل طرح ملاقات ترکیه را با نخست وزیر حکومت منطقه‌ای کردستان زمانی که روسا و مقامات دولتی کردستان مخالفت خود را با این تماس‌ها اعلام کردند، کنسل کرد.

در سال ۲۰۰۸ عبدالله گل جلال طالبانی را دعوت کرد تا ملاقات رسمی داشته باشند این مساله منجر شد که جلال طالبانی به وضوح به سیاستمداران کرد توصیه کند. پ.ک.ک نیز فرصتی یافتند و مکالمات با حکومت ترکیه را برای حل مساله کردستان افزایش دادند. در این سال حکومت اردوغان تماس‌های خود را با منطقه شمال عراق افزایش داد برای اینکه ترکیه می‌خواست مسائل خود را با کردها به صفر برساند.

ترکیه اهداف اقتصادی را دنبال می‌کند بطوری که سود ترکیه از گسترش تجارت با شمال عراق است برای مثال ترکیه جدیدا از خط لوله Yumurtalik-kirkuk، 450 میلیون دلار هر سال دریافت می‌کند. روابط بهتر با حکومت منطقه‌ای کردستان و حکومت عراق، به ترکیه اجازه خواهد داد به اینکه از منافع ترکمن‌ها در عراق حمایت کنند. حکومت منطقه‌ای کردستان دارای ذخایر نفتی است و نیازمند به نقل و انتقال آن به بازارهای غربی است. در این میان ترکیه دارای ابزارهای موثر برای انتقال نفت عراق به بازارهای بین‌المللی است. رونق اقتصادی شمال عراق بازار بازرشی را برای ترکیه به وجود آورده است. روابط اقتصادی ترکیه با حکومت منطقه‌ای کردستان عراق ابعاد سیاسی نیز داشته است. در مارس ۲۰۱۰ ترکیه به کنسولگری اربیل وارد شد و با مقامات سیاسی وارد گفتگو شد. (Candar,2009,pp13-19)

یک راه حل نسبت به فعالیت‌های تروریستی پ.ک.ک عمدتاً از طریق اصلاحات سیاسی و توجه به خواسته‌های اقلیت کرد در ترکیه است. این مساله برای ترکیه دارای اهمیت زیادی است. ترکیه در مواجهه با مساله کردها در ابتدا با مخالفت ملی‌گرایان و حزب جمهوری خواه خلق روبرو شده است. ولیکن حکومت تلاش می‌کند عمیق‌ترین مسائل داخلی کشور را حل کند و در یک چشم انداز اساسی حقوق بشر همگرایی کردها را به وجود آورد. به طور کلی رویکرد لیبرال حزب عدالت و توسعه نسبت به مساله کردها و اصلاحاتی که انجام داده است، پایگاه‌های عمومی پ.ک.ک را تحلیل خواهد برد و به طور قابل ملاحظه‌ای توانایی آن را کاهش می‌دهد بدین صورت پ.ک.ک تحت فشار خواهد بود و کمتر قادر است در فرایند صلح در ترکیه خرابکاری کند. ترکیه به حمایت مقامات عراقی در برابر پ.ک.ک نیاز دارد رهبران کرد عراق اذعان کردند که اگر یک راه حل جامع دموکراتیک وجود داشته باشد آنها می‌توانند بر روی سازمان مزبور فشار وارد کنند.

در یک مفهوم کلی در سال‌های اخیر ترکیه فهمیده است که حکومت یک شکل در عراق می‌تواند به توازن قدرت منطقه‌ای کمک کند. ترکیه همکاری و حمایت حکومت منطقه‌ای کردستان را در ریشه کنی حزب پ.ک.ک لازم و ضروری می‌داند.

روابط با ایران یک تعادل دشوار

ترکیه و ایران در زمینه پایگاه‌های صنعتی، جمعیت و قدرت‌های نظامی با یکدیگر رقابت دارند. برای ترکیه، ایران همسایه بزرگ و مهم است از اینرو ترکیه سعی بر مدیریت و نه مواجهه روابط دارد.

ترکیه حدود ۹۳ درصد از نیازهای نفت و گاز خود را از طریق ایران تامین می‌کند. در این میان ترکیه همچنین می‌خواهد راهرو انتقال انرژی باشد. ترکیه مایل به احیا و

همگرایی روابط با ایران در نظام بین‌الملل است و به عنوان یک بازیگری عمل می‌کند که همکاری کامل در بازارهای جهانی انرژی دارد.

ترکیه با فشار آمریکا در برابر انرژی و سرمایه‌گذاری در ایران مخالفت کرده است. احمد داوود اوغلو بیان کرده است که ترکیه بعنوان یک اقتصاد رو به رشد و احاطه شده توسط منابع انرژی، به انرژی ایران برای توسعه طبیعی در منافع ملی خود نیازمند است. بنابراین توافقات انرژی ترکیه با ایران نمی‌تواند به روابطش با کشورهای دیگر وابسته باشد. این موقعیت ترکیه برای امنیت انرژی اروپا حیاتی است. تجدید روابط ایران و آنکارا عمدتاً یک سیاست عملگرایانه بر پایه منافع ملی متقابل است روابط تجاری ترکیه به حدود ۱۰ میلیون دلار در هر سال رسیده است. (Poyraz, 2009, pp.15-17)

در سال‌های گذشته موقعیت ترکیه با تسریع برنامه اتمی ایران پیچیده شده است. ترکیه از ایده ساختن خاورمیانه، منطقه آزاد از تجهیزات اتمی حمایت کرده است. اردوغان نخست وزیر سابق ترکیه از زرادخانه‌های اتمی اسرائیل انتقاد کرده است ترکیه حامی استفاده صلح‌آمیز از انرژی اتمی است بطوری که حزب عدالت و توسعه نیروگاه-های اتمی خود را علیرغم مخالفت گروه‌های زیست محیطی بازسازی کرده است. ترکیه مشابه سیاست آمریکا در حال تلاش است که نفوذ ایران در منطقه را متوازن کند. در ۱۷ مهر ۲۰۱۰ ترکیه با دلالتی برزیل در برنامه اتمی ایران تاثیرگذار بوده است. در مذاکرات استانبول ایران توافق کرد ۱۲۰ کیلوگرم سوخت اتمی برای راکتورهای خود در مقابل تغییر دادن برنامه اتمی خود در تهران دریافت کند. هرچند که آمریکا و سایر قدرت‌های بزرگ مخالف این مساله بودند به طوری که نامه فاش شده از اوباما نشان می‌دهد آمریکا و بقیه قدرت‌های غربی ترجیح می‌دهند به تحریم‌های بیشتر ایران در شورای امنیت سازمان ملل ادامه دهند، قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت با رای مخالف ترکیه و برزیل و غیبت لبنان و ۱۲ رای مثبت به تصویب رسید. (Larrabee, 2007, pp.103-114)

ترکیه شدیداً از سوی کشورهای غربی به خاطر حمایت از ایران مورد انتقاد قرار گرفت. مخالفت آمریکا بیشتر از روسیه و چین روی این مساله بود. زمانی که ایران با غرب و اسرائیل برخورد پیدا کرد ترکیه در قبال فعالیت‌های نظامی غرب در غزه و عراق و لبنان مخالفت صریح خود را اعلام کرد و خواهان ارتقا دموکراسی و ثبات در این مناطق شد. ترکیه در حمایت خود از ایران با انتقادهای مختلفی روبرو شد. از دشواری‌های این مساله این است که ترکیه می‌خواهد روابط خوب با کشورهای حوزه خلیج فارس (مصر و عربستان) داشته باشد که از ایران اتمی و مسلح می‌ترسند.

نشانه‌هایی وجود دارد که رهبران ترکیه همچنین از تسلیحات اتمی ایران ناراحت هستند بطوری که هیچکس نمی‌تواند تضمین کند که ایران در برابر منافع ترکیه در منطقه از این تسلیحات استفاده نکند.

استراتژی ایران به عنوان بازیگر قدرت سخت مسلط در منطقه خصوصاً کشورهای حوزه خلیج فارس تمرکز دارد. (Yet kin, 2010)

روابط با اسرائیل

اسرائیل متحد استراتژیک ترکیه در منطقه است. ترکیه تعهداتی را با اسرائیل در زمینه نظامی داشته است. زمانی که اسرائیل بدون هیچ هشدار حمله‌ای خود را به غزه آغاز کرد واکنشهایی را در میان مردم ترکیه به وجود آورد و احساسات مردم را تحریک کرد و از کارهایی که در حق فلسطین‌ها انجام شده بود شکایت کردند. ترکیه با سیاست‌های فعلی اسرائیل به سمت سوریه ایران و فلسطین مخالف هست این مساله منجر به چرخش روابط ترکیه شده است و اردوغان در اجلاس داووس در ژانویه ۲۰۰۹ جلسه را ترک کرد.

در واقعه 31 Mavi marmara می ۲۰۱۰ زمانی که فرمانده نیروهای دفاعی اسرائیل ۹ شهروند ترکیه‌ای را در آب‌های بین‌المللی کشت بعد از این واقعه داوود اوغلو

گفت: اسرائیل باید عذرخواهی کند و غرامت بدهد آنها همچنین تلاش کردند اسرائیل را در سکوه‌های بین‌المللی محدود کنند. نظریه پردازان خاطر نشان کرده‌اند که سال طلایی در روابط ترکیه - اسرائیل، سال ۱۹۹۰ بوده است در این زمان روابط بیشتر به حوزه نظامی محدود شده است. در زمینه فعالیت‌های تجاری اقداماتی صورت نگرفته است. به نظر می‌رسد ترکیه در حال عمل کردن به عنوان یک طالب قدرت است در حالی که اسرائیل بیشتر به عنوان حامی وضع موجود عمل می‌کند. در سطح منطقه اسرائیل خواهان توافق مداوم برای صلح نیست بلکه خواهان موقعیت نظامی برتر است.

تلاش‌های ترکیه در استقرار نظم جدید در خاورمیانه این معنی را دارد که اسرائیل دیگر نمی‌تواند به عنوان یک بازیگر منحصر به فرد در منطقه عمل کند. با توجه به وضعیت بد غزه به عنوان یک زندان باز، ترکیه در انتقاد از اسرائیل پافشاری می‌کند با انتقادهای شجاعانه ترکیه از اسرائیل، اردوغان برای جهان عرب یک قهرمان شناخته شده است و بیشتر کشورهای عربی پر از پرچم‌های ترکیه و پوسترهای اردوغان است. (Pop, 2010)

بنابراین نخست وزیر ترکیه می‌تواند جمعیت‌های مسلمان را در منطقه به صورت مستقیم مخاطب قرار دهد این مساله در طولانی مدت نفوذ ترکیه را در منطقه بیشتر خواهد کرد.

سیاست خارجی منطقه‌ای جدید ترکیه در خاورمیانه

اخیرا سیاست دوستی ترکیه که در سال‌های قبل اوج گرفته بود تا حدی رنگ باخته است و از نگاه کارشناسان در این حوزه شواهدی مانند موضع‌گیری در برابر دولت سوریه و روابط نزدیک با مخالفان اسد و یا بحث سپر دفاع موشکی ناتو بر این روند تاثیرگذار بوده‌اند. موضوع داغ کنونی که آینده دولت اردوغان تا حدی به آن وابسته است سرنوشت سوریه است. در صورتی که اسد بتواند بر مشکلات حادث بر سوریه چیره شود این دولت

کنونی ترکیه است که بازنده اصلی در این قائله خواهد بود چرا که از همان آغاز درگیری‌ها در سوریه آشکارا طرف مخالفان دولت قانونی سوریه را گرفت و از هیچ کمک و همراهی با مخالفان فرو گذار نکرد. تغییرات درونی در سیاست خارجی ترکیه باعث نقش‌نمایی و قدرت‌نمایی این کشور در مبادلات بین‌المللی شد. پارامترهای تغییر در حوزه داخلی ترکیه را می‌توان مشروعیت بالای دولت اردوغان، ثبات در دوره‌ی او، به حاشیه راندن نظامیان از عرصه‌ی سیاست، داشتن نقشه مدون و بهینه کردن روند تحولات داخلی به خصوص در اقتصاد (رشد ۹۰ درصدی) دانست و در حوزه‌ی سیاست خارجی ترکیه تلاش کرد تا عمل‌گراتر و واقع‌گراتر رفتار کند و به نوعی تلاش کرده است تا در سطح دولت‌ها و ملت‌ها اعتماد سازی کند نمونه‌ی اعتماد سازی در سطح ملت‌ها حمایت از ملت فلسطین است.

ترکیه در طی این سال‌ها تلاش کرد تا در جامعه‌ی بین‌الملل جایگاهی به عنوان میانجی مطرح شود و طرح مشهور داوود اغلو مبتنی بر تمرکز بر رفع تنش با همسایگان و حرکت به سمت گفتگو با ارمنستان، سوریه و عراق بود. فعال شدن دیپلماسی خارجی ترکیه در خاورمیانه یک خط سیر را طی می‌کند و اخیرا برخی عناصر مانند عبارت فضیلت و ارزش‌های انسانی در سیاست خارجی، فرصت‌شناسی و آینده‌نگری را وارد دستور کار کرده است.

اما آنچه عملا از ترکیه دیده شد تبعیض میان اتفاقات مشترک در کشورهای مختلف بود به عنوان مثال ترکیه در قبال بهار عربی در مصر و تونس و سوریه به تناسب هر کدام رفتارهای متفاوت و بعضا متناقضی را نشان داد. ترکیه در کل سیاست دوستی با ایران را پیش گرفت و این اراده برای دوستی به علاوه مناسبات اقتصادی محسوس کاملا هویداست. اما اکنون به نظر می‌رسد که ترکیه با این سیاست دوستی با ایران به عنوان مثال تلاش برای تقویت نگاه سنی‌ها در قبال شیعه‌گری تا حدی زاویه پیدا کرده است.

(www.andishepooya.com)

سیاست ترکیه بر سیاست عمل‌گرایی مبتنی بر منافع ملی شکل گرفته است و از جمله موارد اصطکاک میان ترکیه و ایران استقرار سپردفاع موشکی است و نشانه بعدی آن موضع ترکیه در قبال حوادث سوریه است که کاملاً در مقابل مواضع مبنی بر عدم دخالت در امور داخلی سوریه از جانب ایران قرار گرفته است. ترکیه در برابر مشکلاتی که برای سوریه پیش‌آمد از همان ابتدا با مخالفان همراهی کرد و به انتقاد فعال از دولت سوریه پرداخت. ترکیه همواره تلاش کرده است که به عنوان یک الگوی سیاسی در خاورمیانه مطرح شود و ظرفیت‌های خود را در خاورمیانه افزایش دهد. تفاوت عمده ایران و ترکیه در بحث دشمن‌ستیزی ایران است. در قبال مسائل سوریه، ترکیه به دنبال حمایت از جریان اخوانی‌هاست چرا که از این رهگذر بتواند حمایت این گروه را در کشورهای دیگر عربی مانند مصر جلب کند و نفوذ خود را در کشورهای خاورمیانه گسترش دهد.

ترکیه به روشنی در خصوص سوریه اعلام کرده است که به لحاظ منفعی که در سوریه دارد و به خطر افتادن آن‌ها ترکیه را نگران می‌کند، باید دخالت کند و تاکنون هم تمام تلاش خود را کرده است تا غرب در سرنگونی دولت اسد توفیق یابد. رفتار با سوریه به عقیده برخی کارشناسان پایان سیاست خارجی داوود اغلوست ترکیه در شرایط انفعالی مجبور به ورود به مسئله‌ای شد که از ظرفیتش خارج بود از نظر این دسته از کارشناسان سرکار آمدن حزب اسلامی نتیجه کمک‌های مالی بین‌المللی بود. غرب نیاز داشت که ترکیه خودش را پیدا کند. (www.merc.ir) پیش‌بینی کارشناسان آن است که اگر مسئله سوریه ادامه‌دار شود ناامنی در مرزهای ترکیه شدت خواهد گرفت و ارتشی که روز به روز نقش کمتری را در ترکیه بازی می‌کند مسئول برخورد با این ناامنی‌ها خواهد بود. اما امروزه بیداری اسلامی در ترکیه جلوتر از حزب عدالت و توسعه حرکت می‌کند و این مطلب باعث نگرانی دولت‌مردان ترکیه است. ترک‌ها نگرانند چرا که سوریه را در تامین امنیت ملی خود مصمم می‌بینند و از این بابت از ایران و جهت‌گیری‌هایش در قبال سوریه ابراز ناخرسندی می‌کنند.

کامیابی‌ها و ناکامی‌های سیاست خارجی ترکیه در سال ۲۰۱۲

دستاوردهای ترکیه

در واقع اگر به برنامه‌های داخلی حزب عدالت و توسعه نگاهی داشته باشیم این حزب از یک سو با انتخابات محلی (۲۰۱۳) و ریاست جمهوری (۲۰۱۴) روبرو بوده است و تلاش کرده است تا از یک سو با هدف تبدیل ترکیه به یک قدرت جهانی با شعار ملت بزرگ و قدرت بزرگ در سال ۲۰۲۳ گام‌های جدی بردارد. از سوی دیگر اردوغان و تیم وی تلاش کرده‌اند تا در تمامی تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی و رفت و آمدهای دیپلماتیک حضور داشته و در سیاست خارجی ترکیه نیز نشان دهند از هیچ کشور و منطقه‌ای غافل نیستند. چنانچه در یک سال گذشته از یک سو احمد داود اوغلو به عنوان وزیر امور خارجه سابق ترکیه به کشورهای بسیاری سفر کرد و کمتر وزیر امور خارجه دیگری در منطقه بدان اندازه سفر خارجی انجام داده است. از سوی دیگر نیز حضور شخصیت‌های عمده سیاسی در محافل بین‌المللی ترکیه و همچنین محافل حزبی (همچون حضور چون محمدمرسی، مسعود بارزانی، خالد مشعل، طارق الهاشمی، گرهارد شرودر و ... در چهارمین کنگره حزب عدالت و توسعه) همچنین نوع نگاه جدی آنکارا در کوشش برای به عهده گرفتن و یا یافتن نقش عمده در بحران‌ها و پرونده‌هایی همچون مذاکرات طالبان با دولت افغانستان، مدیریت بهار عربی، پرونده سوریه، قبرس و ... نشانگر این امر است که ترک‌ها می‌کوشند تا هم به هدف ترکیه در رهبری خاورمیانه (اصطلاحی که در یک سال گذشته چندین بار مورد استفاده رهبران ترک قرار گرفته) رسند و هم موجب افزایش جایگاه ترکیه در منطقه و جای گرفتن این کشور در میان قدرت‌های بزرگ و یا دست یافتن به امتیازهای فرا منطقه‌ای گردند. در همین حال اگر به سه الگوی مدعی در خاورمیانه یعنی الگوی سنتی اسلام‌گرایی عربستان، مدل اسلام انقلابی ایران و الگوی اسلام لیبرالیستی ترکیه بنگریم در خواهیم یافت ترکیه در یک سال گذشته بیشترین تلاش را برای اعمال و به کارگیری الگوی خود در منطقه نشان داد.

دعوت از رهبران حماس و اخوان المسلمین مصر برای حضور در ترکیه و تلاش در جهت الگوپذیری آنها از حزب عدالت و توسعه در همین راستا قابل ارزیابی است.

گذشته از این نیز ترک‌ها در یک سال گذشته همچنان کوشیدند که خود را پشتیبان جدی آغاز اصلاحات اساسی در حوزه خاورمیانه و شمال آفریقا نشان دهند و با درک منافع ملی خود نفوذ گسترده‌تری را در منطقه اعمال کنند. چنانچه علاوه بر بکارگیری قدرت نرم این کشور در بعد رسانه‌ای و فرهنگی آنکارا کوشید که با پیوند زدن رهبری و ماموریت تاریخی خود به عنوان رهبر مسلمانان سنی تاریخ عثمانی خود را یادآور شود. در همین زمینه استفاده گسترده‌تر رهبران ترکیه از تاریخ عثمانی و نشانه‌های ملی گرایانه خود تا حدی موجب تقویت این نگاه شد که حزب عدالت و توسعه به تقویت گسترده‌تر روابط خود با کشورهای مسلمان و همچنین کشورهای ترک زبان در قالب شورای همکاری ترک زبانان و اقلیت‌هایی ترکمن در کشورهای هم‌اند عراق پرداخته است. (www.chathamhouse.org)

ناکامی‌ها و چالش‌ها

ترک‌ها در گذشته با امضای نخستین پیمان استراتژیک خود در منطقه با سوریه تا جایی پیش رفتند که اقدام به برگزاری نشست مشترک کابینه‌های دو کشور در حلب نمودند، اما با چرخشی ۱۸۰ درجه‌ای طی دو سال اخیر به مهم‌ترین مخالف منطقه‌ای اسد تبدیل شده و بیشترین هزینه نظامی، امنیتی و اقتصادی و ... را در بحران سوریه به دوش کشیده‌اند. چنانچه اکنون بسیاری سوریه را پاشنه آشیل سیاست خارجی حزب عدالت توسعه دانسته‌اند. یعنی ترکیه به گونه‌ای جدی با مجوز اعلان جنگ علیه سوریه و کنار گذاشتن استراتژی نرم و به کارگیری بازدارندگی نظامی موجب بروز تنش‌های گسترده‌تر با سوریه و همچنین متحدان جهانی و منطقه‌ای سوریه شده است. در همین راستا سیاست خارجی ترکیه با «گذاشتن همه تخم مرغ‌ها در سبد مخالفان سوریه» و

اتخاذ رویکرد پشتیبانی از اکثریت سنی و مخالفان در سوریه از یک سو باعث شده تا روابطش با بقیه اقلیت‌ها در سوریه دچار مشکل شود و از سوی دیگر نیز این نوع رویکرد بر روابط ترکیه با کشورهای حامی اقلیت‌های سوریه نیز تاثیرات منفی گذاشته است. به عنوان نمونه امروزه واتیکان و بسیاری از دولت‌ها، احزاب و گروه‌های مسیحی در غرب و همچنین پشتیبانان منطقه‌ای و بین‌المللی کردها یا ارمنی بعد از هر کشتار یا تهدید عمده اقلیت‌ها توسط بنیادگرایان سلفی در داخل سوریه به نوعی ترکیه را هم مقصر می‌دانند.

گذشته از این نیز نوع رویکرد ترکیه در مورد رهبری خاورمیانه و تلاش برای تبدیل شدن به قدرت اول خاورمیانه موجب ایجاد هراس‌ها و نگرانی‌هایی در ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی شده است. چنانچه اگر به سخنرانی اوغلو در آوریل سال ۲۰۱۲ و نوید تولد قدرت جهانی جدید و نظم نوین جهانی توجه کنیم و همچنین اعلام وی در مورد اینکه «هر سرزمینی که در سال‌های ۱۹۱۱ تا ۱۹۲۳ از دست دادیم و از آنها عقب‌نشینی کردیم در سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۳ بدست می‌آوریم و با برادرانمان در آن سرزمین‌ها دیدار می‌کنیم این یک ماموریت تاریخی ضروری است» را مورد تحلیل قرار دهیم باید گفت این سخنان جدا از نشان دادن اهداف ترکیه در گسترش نفوذ منطقه‌ای خود موجب نوعی نگرانی از آینده نقش منطقه‌ای ترکیه در بین قدرت‌های رقیب منطقه‌ای و حتی جهانی نیز شده است.

در بعد بین‌المللی نیز ترکیه هر چند تلاش داشته است تا با جدا کردن روابط اقتصادی از سیاسی به تنظیم روابط خود با کشورهای همسایه با سوریه همانند روسیه پردازد، اما افزایش دامنه اختلافات باعث ناکامی ترکیه در این راه شده است. همین امر در مورد روابط با ایران نیز با ملاحظه متغیرهایی دیگر قابل تصور است. جدا از این نیز ترکیه در یک سال گذشته همچنان با چالش‌هایی نوین در روابط با همسایگان روبرو بود. چنانچه رفع اختلافات و سیاست صفر کردن مشکلات با همسایگان نه تنها اتفاق نیافتاده

بلکه جدا از جمهوری آذربایجان چالش‌های نوینی در روابط با ارمنستان، ایران، عراق، سوریه، قبرس و حتی یونان به عنوان همسایگان این کشور رخ داده است.

در بعد روابط ترکیه با غرب باید گفت ترکیه در یک سال گذشته در کنار اسرائیل همچنان مهمترین همپیمان امریکا در خاورمیانه بوده و داوطلب شدن جهت استقرار سیستم سپر موشکی و سپس سیستم‌های پاتریوت، افزایش فشار و تهدید سوریه تا حدی زیادی در راستای اهداف غرب ارزیابی می‌شد اما در چند ماه گذشته اختلاف نظرهایی در مورد نوع نگاه به سوریه بین ترکیه و رهبران غربی بوجود آمده است تا جایی که رهبران ترک علنا دست به انتقاد از این رویکرد غرب زده اند. جدا از این نیز در یک سال گذشته هر چند پیوستن به اتحادیه اروپا یکی از اهداف عمده سیاست خارجی ترکیه بوده است، اما با وجود نگاه منفی برخی از اعضای موثر اتحادیه اروپا از جمله فرانسه به ترکیه و بن‌بست در مذاکرات قبرس، دورنمای عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا مثبت نیست. در همین راستا نوع سیاست‌گذاری سیاست‌های کلان ترکیه در منطقه و ایجاد گمان‌هایی جدید در مورد اهداف ترکیه و بحران اقتصادی اتحادیه اروپا باعث شده است مسیر پیوستن ترکیه به این اتحادیه حتی دشوارتر هم شود. (www.rusi.org)

بررسی دلایل سیاست‌های شکست ترکیه در خاورمیانه

بعد از آغاز قیام‌ها در کشورهای عربی، اکثر تحلیل‌گران، مدل حکومت ترکیه را به عنوان جایگزین مناسب برای دولت‌های عربی می‌دانستند و این کشور را به عنوان یک کشور مسلمان، سکولار و طرفدار غرب تلقی می‌نمودند. اما با گذشت سه سال از تحولات نادرستی این ادعا کاملاً روشن شد.

بر اساس تحولات سیاست داخلی ترکیه هیچ کدام از سه صفت مذکور (دموکرات، سکولار و غرب‌گرا) دیگر بر ترکیه امروزی دلالت نمی‌کند. در سیاست خارجی نیز در سطح منطقه‌ای بهار عربی در حال تبدیل به خزان است و ترکیه حتی در سوریه و مصر

سفیر ندارد. در یک بخش از مرزهای ترکیه با سوریه، داعش وجود دارد و بخش دیگر آن نیز تحت کنترل پ ک ک و حزب اتحاد دموکراتیک (شاخه سوریه پ.ک.ک) است.

در سطح داخلی، اردوغان سیاست خارجی را وسیله‌ای برای اعمال سیاست‌های داخلی پوپولیستی خود قرار داده است و به جای اتخاذ سیاست بلند مدت و طراحی شده در سیاست خارجی، سیاست خارجی را ابزاری برای کسب محبوبیت بیشتر در نزد افکار عمومی داخلی و پیروزی در انتخابات مختلف قرار داده است. اردوغان در سه سال اخیر حکومت خود، جز انجام سخنرانی‌های احساسی در مقابل دولت اسد و مقابله با دولت کودتا در مصر و تشویق مخاطبان داخلی خود چیز دیگری بدست نیاورده است.

در می ۲۰۱۱ اردوغان اعلام کرد که نسبت به وقایع سوریه بی‌تفاوت نخواهد ماند و این امر مخالفان سوری را امیدوار کرد که ترکیه در صورت نیاز برای محافظت از آنها وارد مداخله نظامی خواهد شد و عدم انجام آن باعث سرخوردگی شدید مخالفان سوری شد. (www.Alef.com) روش برخورد اردوغان در مواجهه با تحولات مصر نیز متفاوت از سوریه نبود. بعد از کودتای ژوئن ۲۰۱۳ در مصر اردوغان جز بالا بردن نماد رابعه کار دیگر انجام نداد.

اینگونه موضع گیریهایی می‌تواند باعث تحریض هواداران وی در داخل شود، اما سودی برای اخوان المسلمین نداشت و حتی احتمال ایفای نقش یک میانجی در میان نیروهای نظامی و دولت مصر از جانب ترکیه را از میان برد.

تحولات عراق و تشکیل داعش نقطه عطفی در تناقضات سیاست خارجی ترکیه بود؛ چرا که حزب عدالت و توسعه در ابتدا حتی بعد از به گروگان گرفته شدن نیروهای کنسولی خود در موصل و راننده‌های ترک سعی در ایجاد ارتباط با این گروه تروریستی و استفاده از آنان به عنوان اهرم فشار بر علیه دولت مالکی برآمد، اما اقدامات داعش چندان قابل دفاع نبود.

در مورد مساله کردها در عراق، حزب عدالت و توسعه با یک اظهار نظر عجولانه مبني بر به رسمیت شناختن دولت مستقل کرد در شمال عراق سعی در گسترش نفوذ خود در شمال عراق داشت، اما با تصحیح سیاست خود بر حفظ تمامیت و کلیت عراق تاکید نمود.

در سطح منطقه‌ای اگر نیک بنگریم علیرغم ادعای داوود اوغلو، ترکیه یک کشور ایجادکننده نظم در منطقه نیست؛ چرا که نه از نظر دیپلماسی و نه از نظر نظامی توان ایجاد چنین نظامی را ندارد. براساس گزارش‌های موجود از وزارت خارجه ترکیه در سال ۲۰۱۲ از مجموع ۱۳۵ دیپلمات ترکیه در بیش از ۲۰ کشور عربی تنها ۶ نفر قادر به تکلم به زبان عربی هستند. با توجه به فقدان کارشناس در این حوزه، ادعای داوود اوغلو چندان درست به نظر نمی‌رسد و هنوز برای ایفای نقش رهبری ترکیه در خاورمیانه بسیار زود است. کشوری که قادر به حفظ دیپلمات‌های خود در عراق نیست و یا قادر به ایجاد نقش موثر و میانجی در تحولات غزه نیست، چگونه خواهد توانست نقش رهبری تحولات را ایفاء نماید؟

واقعیتی که سیاستمداران ترک گریزی از آن نمی‌توانند داشته باشند این است که سیاست خارجی ترکیه بیشتر بر مبنای امور تجاری و بازرگانی شکل گرفته و در این زمینه قادر به ایفای نقش برتر می‌باشد، اما این به معنی ایفای نقش محوری در تحولات خاورمیانه نیست.

در مورد موضوع سوریه با آغاز اعتراضات در این کشور، ترکیه سه گزینه مختلف پیش رو داشت:

الف) حمایت از مخالفان مدنی (مخالفانی که دست به سلاح نبرده بودند)

ب) حمایت از مخالفان نظامی و کمک تسلیحاتی به آنان

ج) حمله به سوریه بوسیله اقدام هماهنگ ناتو

حکومت اردوغان مرحله اول را بسیار زود به پایان رساند و به گمان اینکه گزینه‌های بعدی زود به نتیجه خواهد رسید وارد فاز دوم و سوم شد. و نتیجه آن کشته شدن بیش از ۱۶۰ هزار نفر در سوریه شد.

ترکیه از نظر نظامی نه تنها قادر به مداخله در سوریه نبود، بلکه قادر به حفظ جنگده‌های نظامی خود نیز نبود؛ در ریحانلی بیش از ۵۱ شهروند ترک جان خود را از دست دادند و برای مقابله با شلیک موشک‌های احتمالی از مرز سوریه به سیستم دفاع موشکی ناتو متوسل شد. و نزدیک به یک و نیم سال است که مرزهای ترکیه توسط پاتریوت‌های ناتو و بوسیله آمریکایی‌ها، آلمانی‌ها و هلندی‌ها محافظت می‌شود.

از آغاز درگیری‌ها در سوریه از همان اول ترکیه به دنبال مداخله نظامی یکجانبه در سوریه بود؛ چرا که در ۱۹۹۸ این تجربه را داشتند. در آن زمان ترکیه به منظور قطع کمک حافظ اسد رئیس‌جمهور سابق سوریه به شورشیان، سوریه را به حمله نظامی تهدید کرده بود و اسد برای اینکه وارد جنگ با ترکیه نشود ضمن پذیرش سایر خواسته‌های ترکیه، عبدالله اوجالان را از سوریه اخراج کرد. اما با گذشت ۱۵ سال از آن زمان سوریه به همراه متحدین قدرتمند (روسیه و ایران) خود در منطقه از تهدیدات ترکیه ابایی نداشت و به علاوه اینکه دیگر ترکیه جایگاه چندانی در میان متحدین غربی خود نداشت. دولت اردوغان نتوانست کمکی به متحد خود در مصر رئیس‌جمهور مرسى نماید. هرچند کمک دو میلیارد دلاری به مصر نیز بسیار مهم بود، اما در مقایسه با کمک ۱۲ میلیاردی عربستان سعودی بعد از کودتا چندان زیاد نبود و حتی در زمان کودتا هم نتوانست کمک چندانی به مرسى نماید.

داوود اوغلو ادعا می‌کرد که دو هفته قبل از کودتا به همراه هاگان فیدان (رئیس امنیت ملی ترکیه) توصیه‌هایی به رئیس‌جمهور مصر ارائه دادند که این توصیه‌ها در ۲۳

آگوست ۲۰۱۳ در روزنامه استار منتشر شد که چندان توصیه‌های جدی در آن دیده نمی‌شد و شامل توصیه‌هایی مانند گسترش توریسم، جمع‌آوری زباله‌ها، اختصاص اولین سفرهای خارجی خود به ایران و ایالات متحده بود. حال اینکه نیاز اصلی مصر شناسایی ژنرال‌ها و ارتباطات خارجی آنها بودند که بعد از حسنی مبارک به فکر کودتا بودند. بعد از کودتا نیز حکومت اردوغان همانند واکنش‌های احساسی اخوان المسلمین به کودتا دچار خطاهای فاحشی بود که باعث شکاف میان ترکیه با آمریکا و عربستان سعودی شد.

در سطح روابط بین‌الملل نیز سیاست خارجی ترکیه بیشترین ضربات را از دو بلوک رقیب ایران و عربستان سعودی متحمل شده است. جناح قدرتمند ایران در منطقه شامل عراق، سوریه، لبنان است و عربستان سعودی نیز در راس کشورهایمانند امارات عربی، کویت، بحرین و اردن قرار دارد که از کودتای مصر حمایت کردند.

(<http://www.turkishweekly.net>)

در مقابل ترکیه در هیچ کدام از این بلوک‌بندی‌ها قرار نگرفت و تنهاترین گزینه‌ای که برای ترکیه باقی ماند اتحاد با غرب و کشورهای غربی است؛ اما در این زمینه نیز دولت اردوغان دچار مشکل بود. چرا که داوود اوغلو همواره بر حل مشکل منطقه توسط خود کشورهای منطقه تاکید داشته است - و حتی در جریان اعتراضات پارک گزی در ترکیه، حزب عدالت و توسعه انتقادهای تندی را از سفیر آمریکا و نقش وی در حمایت از معترضان مطرح کردند. درمورد مساله سوریه اردوغان عدم دخالت ناتو در سوریه را مورد انتقاد قرار داد. اگر بخواهیم روابط ترکیه با غرب را به صورت آشکار ارزیابی کنیم می‌توانیم از موضع ترکیه در قبال لیبی پی به موضوع ببریم. اردوغان از حضور ناتو در لیبی انتقاد کرد، اما بعد از مدت کوتاهی ترکیه در عملیات ناتو بر علیه قذافی مشارکت کرد.

در مورد سوریه ترکیه که هیچگونه راه حل مسالمت‌آمیز را ممکن نمی‌دانست و در مورد مداخله نظامی نیز تنها مانده بود، تنهاترین گزینه را اقدام در چارچوب ناتو می‌دانست. اما اردوغان حتی در این زمینه نیز سیاست ثابتی را دنبال نمی‌کرد و ممانعتی از

ورود تروریست‌ها که در میان آنها برخی شهروندان ترکیه نیز بودند در قالب النصره و داعش به سوریه انجام نداد. این امر هم باعث تضعیف جبهه مخالفان اسد شد و هم اینکه باعث تبدیل مخالفان سوری به تروریست‌های جهادی از دیدگاه کشورهای عضو ناتو و غرب شد و احتمال مداخله ناتو در سوریه را نیز بسیار کاهش داد.

بعد از وقایع تلخ حملات شیمیایی در سوریه در آگوست ۲۰۱۳ افکار عمومی در غرب بر علیه سوریه و دولت اسد شد، اما به دلیل روابط تیره و تار اردوغان با کاخ سفید بر سر مساله مصر و حمایت اسرائیل از رژیم کودتا، عملاً نتوانست در موضوع سوریه با غرب هماهنگ باشد.

با مروری بر سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه می‌توان فهمید که بعد از موفقیت‌های اقتصادی ترکیه، این کشور به دنبال بسط آن در سیاست خارجی بوده است ولی به دلیل غریبه بودن با مکانیزم‌های منطقه و عدم ارتباط صحیح با نیروهای محوری در خاورمیانه نتوانسته توفیق چندانی در سیاست خارجی (به ویژه در منطقه خاورمیانه) کسب کند. (همان)

نتیجه‌گیری

در تشکیلات سیاست خارجی ترکیه، رهبران ترکیه به شدت از شعارها فراتر رفته‌اند و از معرفی ترکیه بعنوان رهبر جدید یا مدل برای منطقه خودداری کردند. در تشکیلات سیاست خارجی ترکیه ۲ فرایند دموکراسی‌سازی و رشد اقتصادی اهمیت خاص دارد. این فرایند در انتقال وضع ترکیه در منطقه به عنوان یک بازیگر امنیتی موثر است. هم دموکراسی‌سازی و تمایل به ارتقاء تعهدات اقتصادی با کشورها در سطح منطقه به ثبات نیاز دارد این مساله ترکیه را تشویق می‌کند به اینکه سیاست خارجی میانه رو داشته باشد. رویکرد ترکیه به امنیت منطقه‌ای به سبک اروپایی بازسازی ثبات منطقه ای در میان وابستگی متقابل اقتصادی و تقاضا برای ارزشهای جهانی مثل دموکراسی، حقوق

بشر و حکومت قانون نزدیکتر است. هر چند که ترکیه روی قدرت نرم تاکید دارد که صلح و ثبات را برای منطقه به ارمغان می‌آورد. ولیکن امکان استفاده از قدرت سخت را به طور کامل رد نکرده است.

در واقع هر چند ترکیه تلاش کرده است تا به عنوان میانجی برای حل اختلافات و چالشهای موجود در منطقه توان استراتژیک خود را بالا برد و با توجه به «عمق استراتژیک» و «متوازن سازی» سیاست خارجی رهبری و نو عثمانی‌گری در خاورمیانه را مدنظر داشته باشد، اما باید گفت جدا از حضور رو به رشد در مناطق بالکان، اروپا، دریای سیاه، قفقاز، خلیج فارس، خاورمیانه، آسیای میانه و قفقاز در واقع در یک سال آینده این کشور با چالش‌ها و مشکلات مهمتری در روابط خود روبرو خواهد شد. یعنی با روشن‌تر شدن اهداف گسترده سیاست خارجی ترکیه در سال‌های آینده جدا از نوع نگاه‌های رقبای منطقه‌ای آنکارا، این امر حتی می‌تواند بر نگرانی‌های عمده اروپا و امریکا از قدرت‌گیری و اهداف ترکیه در منطقه بیافزاید.

منابع

- Abramowitz, Morton, and Henry J. Kissinger, (November, December 2009) **Turkey's Transformations**, Foreign Affairs, Vol.88, No.6, pp.118-128
- Akyol, Mustafa, (August 2010) **A bit closer to the Axis of Evil**, Hurriyet Daily News
- Aras, Bulent, (May 2009) **The Davutoglu Era in Turkish Foreign policy**, SeTA policy Brief, No.32
- Candar, Cengiz, (Jun 2010) **Iki Turkiye, Ikisi de Turkiye ...**, Radical
- Candar, Cengiz, (October-December 2009) **The Kurdish Question :The Reasons and Fortunes and Fortunes of the opening In sight Turkey**, Vol.11, No.4, pp.13-19.
- Dag, Ihsan, (February 2009) **The liberal Turn in Turkish Foreign policy**, Today's Zaman
- Davutoglu, (2007) **Turkey's Foreign policy vision : An Assessment**
- Davutoglu, Ahmet, (January – March 2008) **Turkey's Foreign policy vision: An Assessment of 2007**, Turkey, Vol.10, No.1, pp.77-96
- Frickson, Edward, (2004) **Turkey as a Regional Hegman – 2014 : Strategic Implications for the united states**, Turkish studies, Vol.5, No.3, pp.25 – 45

- Fuller , Graham ,(Summer 2004) **Turkey,s strategic Model : Mythsand Realities** , The Washington Quarterly , Vol .27 , No.3, pp.51-64
- Hal , William,(July – September 2009) **Turkey and Middle East in the New Er** ,insight turkey , Vol.11,No.3,143-159
- International crisis Group,(7 April 2010) **Turkey and the Middle East:,Ambitions and the Middle East , Ambition and constraints , Europe Report** , No .203
- Kosebalaban , Hsan,(Fal l2010) **What Is strategic signifiacne?**, Middle East policy , Vol .17 , No.3,pp.26-50
- Larra bee ,F.Stephen ,(July – August 2007) **Turkey Rediscovered the Middle East** , Foreign Affairs , Vol , 80 . No .41 , pp103-114
- le nore, Mortin,(March 2009) **Turkey and Gulf cooperation council security**, Turkish studies , vol. 10 , No.1, pp. 75-93
- Murat Yet kin , Murat ,(January 2010) **Erdogan in ABD ye Iran uyarisi** , Radical
- Pop , Hugh ,(June 2010) **Turkey – Israel : Erdogan is not the Bogey man** , Haaretz
- poyraz , Sedar ,(November 2009) **Turkish – Iranian Relations : Awiderperspective** , SETA policy Brief , No , 37 .pp15-17

-Taspinar,Omer,(September2008), **Turkey,s Middle East policies between Neo- ottomanism and kemalism**,Carnegie paper , No. 10, p.8

سایت‌های خبری

-See ,[http://www. Akparti .org .tr/disiliski/ortadogu – 1144.html](http://www.Akparti.org.tr/disiliski/ortadogu-1144.html)
last visited 4 April 2011

- Gulf Turkey Hold New Round of partnership Talks ,(November 2010) Hurriyet Daily News. www.Andishe pooya .com

- [Http:// merc,ir](http://merc.ir) 2.

- <http://www.chathamhouse.org/publications/papers/view/109>
168

-<http://www.rusi.org/events/ref:E50F027A5B8107/#.UPmclx1>
QF_4

- <http://www.turkishweekly.net/columnist/3714/2013-iran-iraq-pk>

- www.Alef.com